

سانسور کتابدارانه

دکتر فریبرز خسروی^۱

چکیده: با نگاهی ارتباط شناسانه می‌توان سانسور را "ایجاد هرگونه اختلال نظامند و آگاهانه در فرایند ارتباط از مرحله شکل‌گیری معنا و هدف در فرستنده تا پدید آمدن معنا درگیرنده" تعریف کرد. با این نگاه فعالیت‌های اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی، یعنی گردآوری، پردازش، ذخیره، بازیابی، و اشاعه اطلاعات، می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در اختلال‌زایی یا اختلال‌زدایی جریان اطلاعات ایفا کند. در این نوشته سعی شده است امکان اختلال در مراحل گوناگون فعالیت‌های یک کتابخانه بررسی شود.

سانسور در مرحله کتاب‌گزینی (گردآوری)

مسئولان کتابخانه و کتابداران در بسیاری از کتابخانه‌ها، تصمیم‌گیرنده‌نهایی در مورد ورود و یا عدم ورود یک کتاب به مجموعه هستند. با توجه به محدودیت امکانات و بودجه، مسلماً میزان خرید کتاب بی‌حد نیست و کتابدار باید چون یک دروازه‌بان^۲ به گزینش بپردازد. بدیهی است انتخاب هر کتاب، عدم انتخاب کتاب دیگر را در پی خواهد داشت. مسئله مهم تشخیص مرز میان انتخاب و سانسور است که طی سال‌ها موجب بحث‌های زیادی شده است.

در سال ۱۹۵۴ مقاله‌ای با عنوان "انتخاب نه سانسور" به این مهم پرداخته و عنوان کرده است که کتابداران سعی دارند انتخاب را که جنبه مثبتی دارد به خود نسبت دهند و سانسور را به دیگران. نویسنده در آن مقاله ضمن ایجاد خدشه در این باور سعی کرده است مرزبندی مناسبی را ارائه دهد. جالب است که او در ابتدای مقاله خود بیان می‌کند که عنوان مقاله او شاید این تصور

۱. معاون خدمات فنی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

را القاء کند که او می‌خواهد بگوید: من انتخاب می‌کنم او سانسور می‌کند^۱ و ۴۰ سال بعد نویسنده‌ای در مقاله‌ای با عنوان "آن‌ها سانسور می‌کنند و من انتخاب می‌کنم" مجدداً همین بحث را مطرح کرده است^۲

طرح مکرر این بحث طی سال‌های متمادی نشانگر آن است که هنوز کتابخانه‌ها به شدت با آن مواجه هستند. اصولاً هر انتخاب متضمن گزینشی اخلاقی و ارزشی است که شخصیت و نظام ارزشی حاکم بر گزینشگر بر آن تأثیر به‌سزایی دارد^۳. اگر کتابدار صرفاً با تکیه بر ارزش‌های خود و به علت مخالف بودن مطالبی با عقیده‌اش کتابی را رد کند، مسلماً انتخاب در آن کتابخانه دچار اخلال شده به سانسور تمایل یافته است.

همیشه این اخلال عمدی نیست. گاهی اقبال به یک رشته خاص، سانسوری ناخواسته را در یک مجموعه سبب می‌شود. شاهد بوده‌ایم که مثلاً تخصص و علاقه یک رئیس کتابخانه به تاریخ باعث می‌شود طی مدت محدودی مجموعه یک‌سویه شده سمت و سوی تاریخی به خود بگیرد. مسلماً در این مدت مراجعان بسیاری از منابع مطلوبشان محروم مانده‌اند و در جریان اطلاع‌یابی آنان اخلال رخ داده است.

یکی از توصیه‌های اساسی به کتابداران، پدیدآوردن مجموعه‌ای متوازن با توجه به اهداف کتابخانه است که عملاً قضاوت‌های ارزشی و فردی آن را دچار مشکل می‌کند^۴. راه کار مناسبی که برای ایجاد مجموعه متوازن و جلوگیری از سانسور پیشنهاد می‌کنند، تهیه خط‌مشی مدون و جامع برای انتخاب و تهیه کتاب است^۵، گرچه تدوین خط‌مشی‌ها نیز به‌دور از تأثیر ارزش‌ها و معتقدات تهیه‌کنندگان آن نیست^۶، اما با توجه به اینکه تهیه خط‌مشی علی‌القاعده توسط گروه صورت می‌گیرد، از تأثیر علایق و سلیق فردی در انتخاب کتاب خواهد کاست و مجموعه متوازن‌تری را تضمین خواهد کرد.

هر قدر خط‌مشی دقیق‌تر و اجرایی‌تر تدوین شود و در حین کار نیز در آن تجدید نظر شود

۱. ستر اشایم، "انتخاب نه سانسور"، ترجمه کامران فانی، نامه انجمن کتابداران ایران ۴ (دوره ۴، ۱۳۵۰)، ص ۱۱-۱۴.

2. M. Pedrsen, "They Censor I Select". Publisher's Weekly (No. 2, Jan 1994), P. 34-36.

3. J.D. Schweinburg, Professional Awareness of the Ethics of Selection, Information Ethics (No.2, Fall 1995), P.35

4. A.D. Partt, "Are we Really Infallible at book Selection?" Library Journal (No.8, Nov 1995), P.44.

5. Le Roy Charles Merritt, Book Selection and Intellectual Freedom, (Now York: Wilson, 1970), P. 24-32.

۶. علی محمد اقتداری، سازمان مدیریت: سیستم و رفتار سازمانی (تهران: مولوی، ۱۳۷۲)، ص ۷۵-۷۶.

مسئله بیشتر می‌تواند از لغزیدن به ورطه سانسور جلوگیری کند^۱. اما تجربه ثابت کرده است کتابدار و وضعیت شخصیتی وی بیشترین تأثیر را در روند تهیه و انتخاب دارد. اگر او شخصیت رشد یافته و بالغی داشته و تکرر اندیشه را به عنوان یک واقعیت پذیرفته باشد، نه از وجود کتاب مخالف نظر خود برآشفته می‌شود و نه سعی می‌کند مجموعه‌ای یک‌سویه و موافق نظر خود پدید آورد. او با نگاهی مثبت و پویا سعی در بهره‌گیری هر چه بیشتر از کلیه امکانات موجود دارد، لذا در حد مقدمات خویش مجموعه‌ای غنی و همگن برای مراجعان فراهم می‌آورد. مرز میان انتخاب و سانسور نیز در همین برخورد مثبت قابل تبیین است. هدف از انتخاب "اخلال‌زدایی" است، زیرا انتخاب بدون برنامه و هدف، مجموعه‌ای نامتجانس را پدید می‌آورد که به هیچ‌وجه پاسخ‌گوی اهداف کتابخانه نخواهد بود. کتابدار با انتخاب کتاب سعی دارد مناسب‌ترین خدمت ممکن را به مراجعان ارائه دهد، در حالی که دید سانسورگر چنین نیست. علی‌الاصول او با نگاه منفی به مسئله می‌پردازد. برای انتخاب‌کننده مسئله مهم یافتن دلایل است برای قبول کتاب؛ بر مبنای چنین اصلی راهنمایی او سخت به دنبال یافتن ارزش‌ها و قدرت و برتری اثر است، تا بدان وسیله بر ایرادهای کم اهمیت‌تر فایق آید. در حالی که برای سانسورگر مسئله مهم، یافتن دلایلی است بر ضد کتاب تا بدان وسیله آن را تحریم کند، همین اصل راهنما او را می‌دارد به دنبال ضعف‌ها و ایرادها و امکان وجود سوء فهم‌ها باشد. انتخاب‌گر مثبت‌گرا از خود می‌پرسد واکنش طبقه فهیم مملکت او در مقابل محتوای کتاب چه خواهد بود ولی سانسورکننده همواره در فکر ترس آلود تأثیر محتوای آن کتاب بر قشر ضعیف و خردگرایز و لنگ جامعه است.

سانسور در مرحله سازماندهی مواد (پردازش)

یکی از اهداف سازماندهی مواد، تسهیل دستیابی مراجعان به منابع مورد نیازشان است. فهرست‌ها و نمایه‌ها، با توجه به گستردگی منابع، تنها مدخل ورود به مجموعه کتابخانه است و هرگونه نقص و بی‌دقتی باعث می‌شود در روند اطلاع‌یابی اخلال حاصل شود. اگر در یک فهرست تحلیلی، سرعنوان‌های موضوعی متناسب با محتوای موضوعی و به تعداد کافی داده نشود، و اگر در یک نمایه برای مقالات، توصیف‌گرها به طور دقیق و به تعداد مورد نیاز به کار نرود، مسلماً مقدمات اخلال در مرحله بازیابی فراهم آمده است. هر چه فهرست‌نویس و نمایه‌ساز متخصص از وسعت معلومات و بلوغ اجتماعی بیشتری برخوردار بوده

1. Q.M. Buck, "Censorship of the Arts and Humanities in Libraries", Reference Librarians (No. 47, 1994), P. 124.

و نسبت به حساسیت کار خود بیشتر آگاه باشد، مسلماً نتیجه کار او مفیدتر خواهد بود. به راستی اگر فرد مغرضی بخواهد در مرحله نمایه‌سازی یا فهرست‌نویسی اخلاص کند، به‌ویژه وقتی امکان کنترل‌های چندگانه وجود ندارد، با چه راه‌کاری می‌توان از آن جلوگیری کرد؟

متأسفانه ابزارهای موجود فهرست‌نویسی، رده‌بندی و نمایه‌سازی بی‌نقص و خالی از اخلاص نیست، و به‌کارگیری آن‌ها نیز بدون تغییر و انطباق‌های لازم موجب اخلاص بیشتری می‌شود. تاکنون طرح‌های رده‌بندی دیوئی و کتابخانه‌کنگره آمریکا در بسیاری از کتابخانه‌ها به کار گرفته شده است. با آن‌که برای ویرایش ۱۹ دیوئی چنین مقرر شده بود که با توجه به کاربرد و فروش زیاد آن در خارج از آمریکا نیازهای سایر کشورها نیز در نظر گرفته شود^۱، اما عملاً کاستی‌های فراوانی را دارد که کشورها مجبورند خود به‌گسترش رده‌های مورد نیاز بپردازند و بیشتر نیازهای کتابخانه‌های آمریکا در آن لحاظ می‌شود. وضعیت رده‌بندی‌کنگره نیز همین‌گونه است. بیشترین انتقاد وارد بر آن قالب شدیداً غربی آن است، که به دلیل آن فهرست‌نویسان مجبورند مواد خود را در رده‌هایی قرار دهند که برای آنان در حکم تخت‌خواب پروکروستس است و با نیازهای آنان همخوانی ندارد. "چگونه می‌توان به این طرح اعتراض نداشت که این چنین فاقد دانش اولیه است که برای تمام تاریخ آفریقا همان‌قدر جا در نظر گرفته که برای کولی‌ها؟... در آن تخصیص فضا به تاریخ نیجریه ۱/۹۹۹ فضایی است که به کولی‌ها اختصاص داده شده است که به شهادت تک‌نگاری‌های منتشره عملاً یک مقوله تهی است"^۲.

در هر دو طرح کنگره و دیوئی رگه‌هایی از "برجسته‌سازی" و "اهمیت‌دهی" غیرمعمول به بعضی از موضوعات و جریان‌ها دیده می‌شود که می‌تواند موضوع تحقیق گسترده‌ای باشد. تأثیر باور داشت‌ها و گرایش‌های فکری پدیدآورندگان این طرح‌ها غیرقابل انکار است، سخن هوشنگ ابرامی در این زمینه شنیدنی است:

"در هر دو طرح دیوئی و کتابخانه‌کنگره که موضوع‌ها براساس نظم شمارشی مرتب می‌شوند، سایه‌ای از نفوذ فکری طراحان که شاید بتوان به آن نام تعصب داد نمایان است. مثلاً در رده‌بندی دیوئی مذهب (۲۰۰) تحت تأثیر مذهب پروتستان و تاریخ (۹۰۰) تحت تأثیر گرایش انگلو ساکسونی است و یا در رده‌بندی کنگره بیش از هر چیز به نیازهای ایالات متحده توجه شده است. مقایسه رده‌های D با رده‌های E-F این وضعیت را روشن می‌کند"^۳.

۱. جونل.سی. دوانینگ، صدمین سال دیوئی، ترجمه محمود حقیقی ۳ (دوره نهم، پائیز ۱۳۵۵)، ص ۳۷۰.
 ۲. دیوید هینایگ، "سرعنوان‌های موضوعی کتابخانه‌کنگره: آیا قتل از روی ترحم راه حل است؟"، ترجمه رزا کیانی، فصلنامه کتاب (دوره دوم، شماره ۱-۴، بهار تا زمستان ۱۳۷۰)، ص ۷۶-۷۷.
 ۳. هوشنگ ابرامی، شناختی از دانش‌شناسی (تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶)، ص ۱۴۱.

به کارگیری درست و به جای این ابزارها و رعایت نیازها و استانداردهای مربوط به هر جامعه می تواند در اخلازلزادایی نقش اساسی داشته باشد. ولی در این مرحله نیز تأثیرگذار نهایی کتابدار است. هر موضوع دهی نامناسب موجب عدم دسترسی درست به منبع خواهد بود و در این مرحله تجربیات، تخصص، و دقت فهرستنویس است که نقش اول را دارد. در فهرست تحلیلی کتاب ها اگر به کتاب در باب محرّمات در اسلام موضوع "تابو" داده شود^۱، به راستی چه کسی برای یافتن آن با اصطلاح "تابو" دنبال آن خواهد گشت. این امکان فقط در جامعه امریکا ممکن است محقق شود!

در این مرحله عوامل دیگری مثل تأخیر آگاهانه در سازمان دهی، عدم فایل صحیح کتاب ها و کارت برگ ها و... می تواند اخلازلزای باشد.

سانسور در مرحله امانت

مراجعان کتابخانه بیشترین تماس را با این بخش دارند و اهداف کتابخانه در این مرحله محقق می شود. وجود دستورالعمل ها و خط مشی مدون و گویا در این مرحله نیز می تواند تا حد زیادی از سانسور جلوگیری کند^۲.

در این مرحله کتابداران با مشکلاتی مواجه اند و عکس العمل های مختلفی را در مقابل مسائل پیش آمده از خود نشان می دهند. امتناع از خرید منابعی که مراجعان خواهان آنند، و جین زودتر از موعد، نگهداری بعضی از کتاب های مسئله دار در اتاقی در بسته و یا قفسه ای دور از دسترس، و محدود ساختن امانت نسخه های خریداری شده، فنون متداول سانسور آرامی است که توسط کتابداران اعمال می شود^۳.

در پژوهشی که در ۹۰ کتابخانه با ۲۰۴ کتابدار در امریکا انجام شده، نتایج ذیل به دست آمده است: $\frac{2}{3}$ پاسخگویان اشاره کرده بودند که اگر کتاب یا نویسنده ای مسئله انگیز باشد از خرید آن کتاب ها امتناع می کنند، $\frac{1}{3}$ گفته بودند چنین کتاب هایی را برای همیشه از قفسه ها برمی دارند. $\frac{1}{5}$ اظهار داشته بودند پرهیزشان از انتشارات مسئله ساز از روی عادت است. فقط ۸ نفر از آزمودنی ها گفته بودند که به طور نظامند و با برنامه اقدام به سانسور می کنند^۴.

عواملی که کتابداران را به محدودیت و حذف و می دارد، اعتراضات و فشارهای افراد،

۱. سرعنوان های موضوعی فارسی، ویرایش دوم (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳)، ص ۲۴۰.
۲. "Censorproof Your Library", School Library Journal 12 (Vol, 40, Dec. 1994), P.44.
۳. Charles Morgan, "The Freedom to Read and Racial Problems", In: Freedom of Inquiry (Washington, D.C.: A.L.A. 1965), P.34.
۴. Ibid, P.32.

گروه‌ها و دولت‌هاست. البته ممکن است کتابدارانی هم صرفاً با تکیه بر عقاید فردی خویش اخلاعاتی پدید آورند.

گاهی دولت‌ها از بعد سیاسی اجتماعی با مسئله برخورد کرده دستور حذف بعضی کتاب‌ها را می‌دهند که می‌تواند بسیار مشکل‌ساز باشد و انجمن‌های کتابداری نیز سعی کرده‌اند راه کارهای مناسب مقابله با این نوع سانسور را پدید آورند.^۱ اما گاهی افرادی که گمان می‌کنند به نوعی از وجود بعضی کتاب‌ها لطمه دیده‌اند شاکی شده تقاضای حذف بعضی کتاب‌ها را می‌کنند.

یکی از کتابخانه‌های امریکا نامه‌ای از والدین دختر جوانی دریافت می‌کند که فرزندشان به اتفاق چهار دختر دیگر به طرز فجیعی به وسیله یک جنایتکار جنسی به قتل رسیده است. قاتل پس از دستگیری اعتراف می‌کند که تحت تأثیر آثار هرزه قرار داشته است. آن‌ها درخواست می‌کنند که این کتاب‌ها باید از کتابخانه حذف شوند و می‌نویسند: "به قول ویل دورانت تمدن‌ها با نظم آغاز می‌شوند، با آزادی رشد می‌کنند و با بی‌بندوباری و هرج و مرج می‌میرند". پاسخ استاندار برای اعتراض، این است که این‌ها بهایی است که ما برای آزادی می‌پردازیم، اما آیا دمکراسی به معنای عدم احساس مسئولیت است؟^۲ موارد بسیاری در این زمینه وجود دارد که بعضاً برای اقدام نهایی دادگاه دخالت کرده احکامی را صادر کرده است.

در بعضی موارد، کنوانسیون‌های بین‌المللی محدودیت‌هایی را اعلام داشته‌اند. مثل آثاری که مبلغ نژادپرستی و جنگ‌افروزی باشند و یا موجب افزایش خشونت شوند. اما مسئله فقط به کتاب‌های هرزه و مشکل‌دار خلاصه نمی‌شود، بلکه می‌توان از بعد دیگری نیز به آن نگریست؛ اگر یک دانش‌آموز ابتدایی کتابی را که به هیچ وجه در حد فهم او نیست و موجب تنفر او از کتاب می‌شود طلب کند آیا کتابدار موظف است منفعلانه آن را به او تحویل دهد؟ آیا پرداختن زود هنگام به آثار و شاهکارهای جهانی موجب نمی‌شود که ارزش آن‌ها به درستی شناخته نشوند؟ یکی از نویسندگان نمونه جالبی را ذکر می‌کند:

"برادر کوچکم را سال‌ها پیش از خواندن کتابی منع کردم. نه بخاطر اینکه واژه‌ها و وقایع آن بد بود بلکه به این دلیل که خودم ارزش کتاب را درک کرده بودم و دلم می‌خواست برادرم در سن بالاتری آن را بخواند تا بتواند زیبایی‌های آن را درک کند و او هم مثل من با کتاب رابطه برقرار کرده درست خواندن را تجربه کند و به نظر من زود خواندن آن موجب می‌شد نتواند چنان که

۱. ر.ک. فرانچس د. سوزا، "ایفلا: نیروی پشتیبان آزادی بیان"، ترجمه فریبرز خسروی در گزیده مقالات ایفلا ۹۵ (تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵)، ص ۱۳۵-۱۴۲.

۲. در این زمینه در منبع ذیل نمونه‌های درس آموزی نقل شده است:

باید از آن لذت ببرد... خواندن چیست؟ واقعاً خواندن چیست؟ چشم دوختن به واژه‌ها یا دریافت آن‌ها و گردآوریشان در یک زمینه خاص^۱؟

این نکات باعث شده عده‌ای چنین بیان کنند که اعتقاد به این که دمکراسی مستلزم آن است که مطالعه کودکان را به خود آن‌ها واگذاریم، دمکراسی نیست بلکه آنارشسیسم و هرج و مرج است و این که کودکان از روندهای آنارشستی رنج می‌برند تأسف‌آور است^۲. همین مشکلات سبب شده است که گروهی قائل به نوعی سانسور حمایتگر و محافظ^۳ باشند و به‌ویژه لزوم آن را برای کتاب‌های کودک^۴ و بعضی کتابخانه‌ها، مثل کتابخانه‌های آموزشگاهی ضروری بدانند. اما همچنان مسئله اساسی تشخیص مرز میان درست و نادرست در سانسور حمایتگر خواهد بود^۵ که باید با وضوح و دقت تمام به آن پرداخت و سعی کرد با رشد "تفکر نقاد" زمینه انتخابی رشددهنده را در درون افراد پدید آورد.

در این مرحله ممکن است اخلاص‌های دیگری از خارج کتابخانه اعمال شود. در سپتامبر ۱۹۸۸ اف.بی.آی کتابداران سراسر ایالات متحده امریکا را تحت فشار قرار داد تا اسامی و عادات مطالعاتی برخی مراجعان کتابخانه را که "دشمن ایالات متحده" پنداشته می‌شدند فاش سازند. در موردی که عوامل اف.بی.آی از نتیجه بازدیدشان از کتابخانه به علت عدم همکاری کتابدار ناراضی بودند از نوارهای صوتی و دوربین‌های مخفی برای کنترل میزهای مرجع استفاده کردند. پیشینه‌های منتشرشده در ۱۹۸۹ نشان می‌دهد که اف.بی.آی سوابق ۲۵۰ کتابدار و دیگر کسانی را که از این برنامه انتقاد می‌کردند تهیه کرده است. انجمن کتابداران امریکا به مخالفت با این برنامه برخاست اما شواهدی در دست است که این برنامه دست کم در منطقه نیویورک سیتی ادامه یافته است^۶.

شبهه این اخلاص ممکن است برای هر کتابداری پدید آید، آگاهی وی نسبت به جامعه، وجدان کاری، و تخصص او می‌تواند از این خسارت‌ها بکاهد.

1. Theodore Gill, "The Freedom to Read and Religious Problems", In: Freedom of Inquiry (Washington, D.C.: A.L.A 1965), P.41.

2. Anderson Arthur James, Problems in ..., P.66.

3. Protective Censorship

۴. علی اصغر سیدآبادی، "آیا ممیزی کتاب کودک الزامی است؟"، همشهری (۱۵ مرداد ۱۳۷۷)، ص ۱۱.

5. Anderson Arthur James, Problems in ..., P.185.

6. Information Freedom and Censorship (London: Library Association Publishing, 1991), P. 134-135.